

سیر مطالعات بیزانسی

(بخش نخست)

■ برگردان: نرگس زارعی



استانبول - ایاصوفیه - نقش موزائیک حضرت عیسی (ع)

مصالح سیاسی و دینی از جمله به واسطه مسئله کشمکش با ترکان عثمانی، جنبش ایجاد یگانگی میان کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها و توافق پروتستان‌ها بر روی داشتن یک بیزانس ضد پاپ، تا به امروز (زمان نگارش کتاب) تداوم یافته است. در پایان قرن شانزدهم و در طول قرن هفدهم، انسان‌گرایان غربی در مکان‌های مختلف و از راه‌های متفاوت به واریسی منابع تاریخ و قانون بیزانس سوق داده شده بودند، که پیشگامان بزرگ این کار عبارت بودند از: شاگردان ولف، ویلهلم هلزمن^{۱۲} و دیوید آس شیل^{۱۳} و حقوقدان برجسته یوهانس لئون کلاویوس^{۱۴} در آلمان ویسوعیون دانشمندی مانند: دپتاویو (دنی پتا)^{۱۵} در فرانسه و پ. ول کانی یوس^{۱۶} در ندرلندز و بالاتر از همه در هلند یوهانس موریس یوس^{۱۷} و در ایتالیا مسیحیان یونانی عضو کلیسای متحد با کلیسای روم مانند: نیکلاس آمانس^{۱۸} و لئوالاتیوس^{۱۹}.

مطالعات بیزانسی معمولاً در این مرحله ابتدائی محدود به تصحیح و نشر منابع و ترجمه متون به لاتین می‌شد. گزینش نویسندگان برجسته کم و بیش بر حسب تصادف صورت می‌پذیرفت. بنابراین محققان دربارهٔ موادی که از این حوزه گسترده اطلاعاتی در اختیار خود داشتند هیچ‌گونه اظهار نظری نمی‌نمودند و در کار خود از هیچ الگوی روشنی پیروی نمی‌کردند. در واقع اگر چه آغازکنندگان مطالعات بیزانسی افراد مشهوری بودند اما سطح کار آنها متوسط بحساب می‌آید.

مطالعات بیزانسی به صورت جدی از اواسط قرن هفدهم در فرانسه شروع به رشد کرد. در واقع تلاش‌های خردگرایانه دربار لویی سیزدهم^{۲۰} و حتی پیش از آن لویی چهاردهم^{۲۱} موجب باز شدن دریچه‌ای به روی تاریخ بیزانس در فرانسه گردید. از آن پس تمایل در انتخاب و تصحیح و چاپ متون بر حسب تصادف صورت نمی‌پذیرفت و تلاش‌های فردی مرتبط با هم در قالب یک طرح دقیق و به هم پیوسته قرار گرفت که این امر موجب بروز توجه فزاینده بر مطالعات علمی در این زمینه گردید. چاپخانه معروف «لوور»^{۲۲} تحت حمایت لویی چهاردهم و کلبرت^{۲۳} اقدام به چاپ آثار بزرگترین مورخان بیزانس کرد تاریخ اثر جان کن تاکوزنوس^{۲۴}، نخستین اثری بود که در سال ۱۶۴۵ م. پدیدار شد. این اقدام با انتشار اثر کنستانتین پُرفی روژنی توس^{۲۵} به نام *Excerpta de legationibus* که به درخواست فیلیپ لب^{۲۶} در سال ۱۶۴۸ م. آغاز شده بود، ادامه یافت. وی بدین ترتیب روند اجرای طرح ایجاد مجموعه نوشتجات مورخان بیزانسی را به جلو انداخت و بر اهمیت تاریخ بیزانس تأکید کرده و خواستار همکاری محققان کشورهای مختلف در این زمینه شد. این کار در دههٔ پسین به طور جدی ادامه یافت و مجموعه‌ای مانند چاپ کامل منابع تاریخی بیزانس برای نخستین بار تهیه شد که بعدها بطور کامل در مجموعه ونیز^{۲۷} و بزرگترین بخش از آن در مجموعه بُن^{۲۸} به همراه برخی اضافات تجدید چاپ شد.

از طرفی در تهیهٔ مجموعه پاریس^{۲۹} تعدادی از برجسته‌ترین محققان فرانسوی قرن هفدهم مانند: ژوزفیت فیلیپ لب^{۳۰}، پی‌یر پوسن^{۳۱}، دومینیکن جک‌گوار^{۳۲}، فرانسوا کام بهی^{۳۳} و حقوقدان برجسته شارل اتی‌بل فبُرت و همچنین در خارج از فرانسه و بویژه در روم همکاران ارزشمندی همچون لوکائس تهنیوس^{۳۴} و لئوالاتیوس^{۳۵} مشارکت کردند. در نتیجه برای نخستین بار آثار بسیاری از نویسندگان بیزانسی توسط لوور منتشر گردید و آثار تقریباً شناخته شده تجدید چاپ شدند. بنابراین مجموعه پاریس با در دست داشتن بهترین متون و انجام تفاسیر منحصر به فرد و مفید از این متون پیشرفتی واقعی را ایجاد کرد.

علاوه بر مجموعه پاریس، در زمینه مطالعات دینی (کلیسایی) و منطقی نیز پیشرفت شایانی حاصل شد که نشانه‌های این پیشرفت را در آثاری مانند: *Concilia* اثر لب (که این اثر در آینده مبنای کار هارداین^{۳۶} و مان‌سی^{۳۷} قرار گرفت)، در *Euchologium* اثر نویسنده معروف یونانی، گوار^{۳۸}، در نوشته‌های مربوط به بزرگان قدیم به تصحیح کام بهی^{۳۹} و بالاخره در *Basilica* به تصحیح

توجه به بیزانس و گسترش بیزانس‌شناسی از شوق و علاقه به دنیای کلاسیک سرچشمه گرفت. زیرا راه شناخت یونان باستان از میان بیزانس می‌گذشت و میراث کلاسیک یونان به خاطر وجود تمدن بیزانس محفوظ مانده بود. همچنین غرب در دورهٔ رنسانس توانست موجبات رضایت خاطر پرشور خود را برای شناخت هر چه بیشتر فرهنگ یونانی، از طریق بیزانس فراهم کند. هنگامی که محققان به کسب نسخه‌های خطی یونانی و نشر و تفسیر متن‌های کلاسیک علاقمند شدند، ناگزیر بودند که به منابع بیزانسی مراجعه کنند. بنابراین قبل از هر چیز بیزانس را به عنوان گنجینهٔ دنیای کلاسیک در نظر داشتند و به خود امپراطوری بیزانس کمتر توجه می‌کردند. تلاش محققانی همچون: ماتوئل کریسلرا^۱، جان ارگی پلو^۲ و پسر یون^۳ در زمینهٔ مطالعهٔ زبان‌شناسی یونانی و شناخته شدن تدریجی این زبان سبب گردید که بسیاری از سیاحان از مراکز قدیمی فرهنگی بیزانس دیدن کنند و ادبیات کلاسیک را با کمک مفسران بیزانسی مورد مطالعه قرار دهند. همهٔ این موارد، راه ایجاد یک علاقهٔ حقیقی به تحقیق و مطالعه در زمینهٔ خود بیزانس را هموار کرد. از این گذشته چون تا آن زمان تاریخ بیزانس جایگاه مناسب خود را پیدا نکرده بود، هیچ‌گونه تمایزی میان نویسندگان کلاسیک و بیزانسی در نظر گرفته نمی‌شد. لذا گاهی اوقات ویراستاران متن‌های کلاسیک آثار بیزانس را نیز تصحیح و منتشر می‌کردند.

اولین محقق که تاریخ بیزانس را به منظور شناخت خود بیزانس مورد ارزیابی قرار داد و ارزش مجزای آن را تشخیص داد شاگرد بلاش تن^۴ بنام ایژونی‌س ولف^۵ بود. وی یک کتابدار و منشی خانوادهٔ فوگر^۶ در «اگسبرگ»^۷ بود و به همان اندازه که به نویسندگان کلاسیک ارج می‌نهاد، علاقهٔ مفرطی نیز به بیزانس داشت. او با کمک اتن فاگر^۸ اثر جان ژنراس^۹ را بنام وقایع‌نامه Chronicle و تاریخ اثر نیسه تاشنی اتس^{۱۰} و قسمتی از تاریخ نیسه قورگره گوراس^{۱۱} را چاپ کرد. بنابراین ولف اولین کسی بود که تاریخ بیزانس را در حالی که در جایگاه مخصوص و مستقل خود قرار داشت، مورد توجه قرار داد و عقیدهٔ ایجاد «مجموعهٔ نوشتجات در زمینه تاریخ بیزانس» را در سر پروراند.

کار ولف توسط دیگران ادامه یافت زیرا روح جستجو و کاوش بواسطه تمایلات انسان‌گرایی جدید برانگیخته شده بود، اما این بیداری (برانگیختگی) بنا به

◀ توجه به بیزانس و گسترش بیزانس‌شناسی، از شوق و علاقه به دنیای کلاسیک سرچشمه گرفت، زیرا راه شناخت یونان باستان از میان بیزانس می‌گذشت و میراث کلاسیک یونان به خاطر وجود تمدن بیزانس محفوظ مانده بود.

◀ مطالعات بیزانسی به صورت جدی از اواسط قرن هفدهم در فرانسه شروع به رشد کرد.



استانبول - ایاصوفیه - نقش موزائیک حضرت عیسی (ع)

فیرت^{۴۰}، می‌توان مشاهده نمود.

اعتبار مجموعه پاریس در بدایت امر به ویژه از سوی گوآر و فیرت تضمین شده بود. اما در سال ۱۶۷۰ م. هنگامی که کارائی این مجموعه در نقطه اوج قرار داشت کار برجسته دوکانژ نمایان شد. شارل دو فرسن سیور دوکانژ^{۴۱} پایه‌گذار واقعی مطالعات تاریخی بیزانسی و همزمان با آن بزرگترین و ممتازترین محقق در تاریخ پژوهش‌های بیزانسی به حساب می‌آید. دوکانژ تاریخ اثر جان سی نمس^{۴۲} و *Chronicle* اثر جان ژنراس و *Paschal Chronicle* را تصحیح و منتشر کرد. وی تفسیرهای جزئی‌نگرانه بسیار خوبی به این آثار افزود همان‌گونه که به *Poussines* تصحیح شده توسط آن کومن^{۴۳} و نیه فوریریونوس^{۴۴} نیز توضیحاتی افزود. دوکانژ علاوه بر این، در گستره شگفت‌آوری از موضوعات اقدام به پژوهشی بی‌سابقه کرد که علاوه بر تاریخ با زمینه‌های دیگری مانند زبان‌شناسی، نسب‌شناسی، ناحیه‌نگاری (توپوگرافی) و سکه‌شناسی پیوند داشت حتی امروزه هم برای انجام پژوهش در زمینه تاریخ بیزانس استفاده از کارهای دوکانژ بویژه کتاب وی به نام *Histoire de l'empire de France Constantinople sous les empereurs francais* ۱۶۵۷ م. و کار بزرگ دیگر وی بنام *Historia Byzantina duplici commentario illustrata* که دارای دو بخش شامل یک مطالعه ناحیه‌نگاری (توپوگرافیکال)، *(Constantinopolis christiana)* و یک کتاب سبک‌شناسی معتبر با عنوان *(De familiis byzantinis)* می‌باشد؛ به عنوان ابزار کمکی، ضروری به نظر می‌رسد. اما واژه‌نامه‌های یونان و لاتین دوره قرون وسطی، در زمره بزرگترین آثار بجای مانده از دوکانژ می‌باشد که به ویژه برای بیزانس‌شناسان بهره‌برداري از *Glossarium ad scriptores mediue et infimae graecitatis* بسیار ارزشمند است. حتی با وجود این حقیقت که امروزه واژه‌نامه‌های معتبری مانند *lexicon* اثر بسیار ارزشمند ای. ا. سوف کلس^{۴۵} در دسترس هستند و با این که کار دوکانژ *Glossarium* به دلیل وجود پانویس‌های تاریخی و ارجاعات بسیار زیادش آزاردهنده است، اما هنوز هم *Glossarium* یکی از ابزارهای ضروری مطالعات بیزانس‌شناسی بحساب می‌آید.

کار دوکانژ توسط هم عصران جوانش از جمله جین مایی^{۴۶}، کسی که مطالعه علمی استاد را پایه‌گذاری کرد و برنارد دومونت فکن^{۴۷}، کسی که با نگارش *Palaeographia graeca* بنای مطالعات دیرین‌نگاری تاریخ یونان را گذاشت، تداوم یافت. کار آنها نیز به وسیله کسانی همچون دومینیکن میشل^{۴۸} در کتاب *Oriens christianus* و بُندیکتن آن سلومبندوری^{۴۹} از راگوسا^{۵۰}، گردآورنده *Imperium Orientale* که دربرگیرنده نکات ارزنده‌ای درباره ناحیه‌نگاری (توپوگرافی) و باستان‌شناسی بود، دنبال گردید.

هر چند که علاقه به بیزانس در قرن هفدهم به‌ویژه در فرانسه نتایج عالی دربرداشت ولی مطالعات

بیزانس‌شناسی در قرن هجدهم با تأسف‌بارترین مانع برخورد کرد. زیرا خردگرایی عصر روشنفکری از طرفی به عناصری مانند خرد، دیدگاه فیلسوفانه و شک دینی خود مباهات می‌کرد و از سوی دیگر سراسر تاریخ عصر قرون وسطی را تحقیر می‌نمود. در واقع اندیشمندان عصر روشنفکری امپراتوری بیزانس را به خاطر سنت‌گرایی و تعصب دینی تحقیر می‌کردند. از نظر آنها چنانچه ولتر^{۵۱} می‌گوید: تاریخ بیزانس چیزی نبود مگر مجموعه‌ای بی‌ارزش از خطابه‌های اغراق‌آمیز و معجزات خارق‌العاده و از نظر مونتسکیو^{۵۲}، تاریخ بیزانس یک رشته شورش، فتنه و خیانت بود و خوشبینانه‌ترین نظر تاریخ بیزانس را پایان حزن‌انگیز امپراتوری باشکوه روم معرفی می‌نمود. این اندیشه که در آن تاریخ بیزانس به عنوان دوره هزار ساله فروپاشی امپراتوری روم معرفی می‌شد توسط کسانی همچون چارلز لیبئو^{۵۳} در کتابش به نام *Histoire du Bus Empire* (پاریس ۱۷۸۶-۱۷۵۷) و ادوارد گیبون^{۵۴} در کتاب انحطاط و سقوط امپراتوری روم *Decline and fall of the Roman Empire* (لندن ۱۷۷۶-۸۸) به تصویر کشیده شده است. در واقع گیبون چنین می‌گوید که کار وی پیروزی و کامیابی دین و بربریت را توصیف می‌کند.

امروزه تأکید بر نادرستی نظر گیبون و لیئو ضروری نیست و نیازی هم نیست که دانشمندان بیزانس‌شناس درباره چگونگی انتخاب موضوع از سوی گیبون قضاوت کنند و با خشم به رد ادعاهای او بپردازند. زیرا نشر آثار لیئو و گیبون جلوی بروز چنین احساسات شدیدی را گرفته است و می‌توان در یک فضای آرام، هم معایب و هم ارزش کار بزرگ تاریخی لیئو و گیبون را مورد ارزیابی قرار داد. گیبون و لیئو مورخان معتبری بوده‌اند و حتی می‌توان ادعا نمود که مقام گیبون از لیئو بسیار برتر است. کار آنها به رغم نارسائی‌های بسیار زیاد از نظر نحوه بیان مطلب در بالاترین مرتبه قرار دارد و با توجه به تمامی معایبی که در آثار آنها به چشم می‌خورد هنوز هم کتاب‌های آن دو نسبت به آثار بیزانس‌شناسان قرن نوزدهم که بیشتر دارای جنبه‌های زبان‌شناسانه و تاریخ‌نگاری فنی هستند خواندنی‌تر می‌باشند. به‌ویژه متن ویراسته شده کتاب گیبون به دست ج. ب. بوری^{۵۵} به خاطر انضمام پانویس‌ها و پیوست‌های عالمانه و ویراستار، بسیار ارزشمند است. اما شدت بیان گیبون نزدیک به یک قرن همچون مانعی سهمگین در برابر کار پژوهشگران قرار داشت و به همین خاطر شور مطالعات بیزانس‌شناسی به سردی گرائید. بیان گیبون به حدی مؤثر بوده است که حتی امروزه نیز به چگونگی روند رشد دین در بیزانس اغلب از درون عینک گیبون نگریسته می‌شود. به هر حال مطالعات بیزانس‌شناسی بطور کامل هم از میان نرفته بود و ج. ا. قابری سیوس^{۵۶} با نگارش *Bibliotheca graeca*^{۵۷} ضروری‌ترین ابزار مطالعه در تاریخ ادبیات بیزانس را تهیه کرد. اگر چه یکی از ویژگی‌های این قرن به تعویق افتادن چاپ متون برجسته نویسندگان یونانی و عرب بود اما بی‌گمان کشف خوشایند نسخه خطی *De cerimoniis*

(نسخه لایپزیک) و کار تفسیری جان جگب ریگ^{۵۸} بر روی این متن از بزرگترین رویدادهای تاریخ مطالعات بیزانس شناسی بوده است. چاپ یکی دیگر از متون مجموعه پاریس اثر لئودیکان^{۵۹} توسط ک. ب. هسه^{۶۰} در سال ۱۸۱۹ م. انگیزه برای انجام مطالعات بیزانس شناسی را افزایش داد و به زودی پس از آن نیبور^{۶۱} با انتشار *Agathios* سنگ بنای مجموعه بُن^{۶۲} را در سال ۱۸۲۸ م. پایه گذاری کرد. اما مردی چون نیبور که نه مغرض بود و نه بی تفاوت به سادگی می توانست اهمیت تاریخی بیزانس را نادیده گیرد. در واقع مجموعه بُن تا حدود زیادی چیزی نبود مگر یک چاپ مجدد از مجموعه پاریس با این تفاوت که مجموعه بُن کاملتر، در دسترس تر، منسجم تر و شناخته شده تر از مجموعه پاریس بود.

همزمان پیشرفت هایی نیز در زمینه شناساندن تاریخ بیزانس در شرف تکوین بود چنانکه جرج فینلی^{۶۳} در کار جامع خود درباره تاریخ یونان تأکید بسیار زیادی بر روی دوره بیزانس داشت. او اثر خود را در هفت مجله به رشته تحریر درآورد که در برگیرنده سال های ۱۴۶ ق.م تا ۱۸۶۴ م. بود که این کتاب *A History of creece from the conquest by the Romans to the Present time* نام داشت. دو اثر تک نگاری یکی درباره *John Cantacuzenus* نوشته و. پری سات^{۶۴} و دیگری درباره *Manuel II* نوشته برگرد واکسیوری^{۶۵} در فرانسه بوجود آمدند که تاکنون ارزش خود را حفظ کرده اند. در آلمان قرن نوزدهم نیز نویسندگانی چون گ. ل. ف. تافل^{۶۶} و گ. م. توماس^{۶۷} در زمینه بیزانس شناسی فعالیت می کردند. ج. پ. فالمریر^{۶۸} نیز در همین زمان دست به کار نگارش اثر مهیج خود شده بود و کارل هاف^{۶۹} مشغول نگارش کار ارزشمند خود درباره تاریخ یونان با عنوان *Geschichte Griechenlands rom Biginn des Mittelalters bis auf unsere zeit* بود که بر اساس مطالعه دقیق منابع و کار گسترده بر روی اسناد استوار شده بود. هر چند به کارگیری یک روش پیچ در پیچ برای ارائه مطلب از سوی وی کار او را کند می کند و اظهار نظرهای وی نیز همیشه معتبر نیستند و هنوز هم درباره عصر پالاتولگ به اندازه کافی پژوهش صورت نپذیرفته است، اما این اثر بخاطر نحوه جمع آوری مطلب و نیز شناساندن دوره استیلای لاتینی ها بر بیزانس ارزش جاودانه یافته است. کارهای دیگری که بر روی کارل هاف پایه ریزی شدند و در زمان خودشان مقبولیت عام یافتند اما برای مدت زیادی مورد استفاده واقع نشدند عبارتند از: اثر گ. ف. هرتربرگ^{۷۰} بنام *Geschichte Griechenlands seit dem Absterben des antiken lebens bis zur Gegenwart* و اثر دیگر وی بنام *Geschichte der Byzantiner und des osmanischen Reiches bis gegen Ende des 16. Jahrhunderts* که در سال ۱۸۸۳ م. در برلین چاپ شد و اثر ا. ف. جفرور^{۷۱} بنام *Byzantinische Geschichten* که در سه جلد در گراز طی سال های ۱۸۷۷-۱۸۷۲ م به چاپ رسید. جفرور در کار خود عنصر قوی تخیل را به کار برده بود که امروزه بی ارزش است. از سوی دیگر فردیناند ایرسش^{۷۲}، کار جدی و محققانه ای

به انجام رسانید. کتاب وی به نام *Byzantinische studien* (لایپزیک ۱۸۷۶) هنوز هم می تواند گنجینه ای از جزئیات و تفاسیر معتبر را به ما عرضه کند.

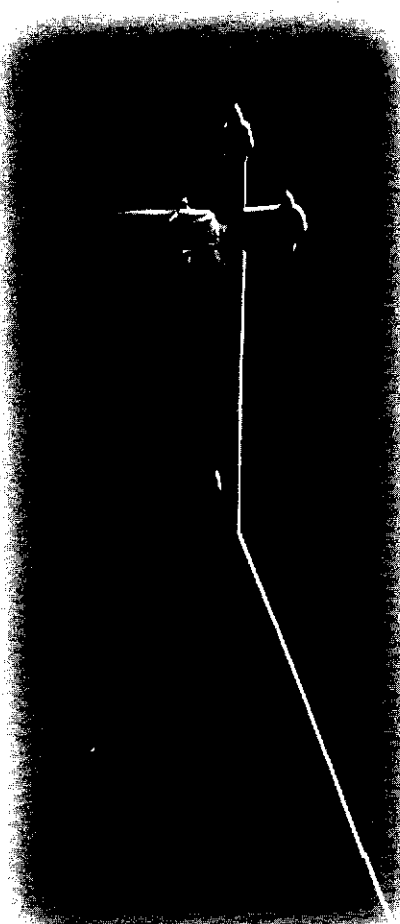
اگر چه در قرن نوزدهم رشد روزافزون ارزیابی عمیق تر از تاریخ نیز نتوانست روش گستاخانه و غیرتاریخی عصر روشنگری که سبب بی اعتباری دنیای بیزانس شده بود را به طور کامل تعدیل یا نابود کند، اما از آنجا که درک مفهوم «پیشرفت در تاریخ» در حال رشد و نمو بود نفوذ اندیشه مردانی همچون رانکه^{۷۳} و مامسن^{۷۴} جادوی افسانه «سقوط دوهزار ساله» را باطل کرد. بنابراین تمایل به شناخت تاریخ بیزانس در دو دهه آخر قرن نوزدهم در میان کشورهای پیشرو اروپایی به سرعت افزایش یافت و افرادی مانند آلفرد رمبود^{۷۵}، وازی لیچ^{۷۶}، وازی لیچ و سکچ^{۷۷}، کارل کروم بخر^{۷۸}، ج. به بوری^{۷۹} در کشورهای خود اساس مطالعات بیزانس شناسی را به عنوان یک رشته مستقل آموزشی پی ریزی نمودند. به همت این مردان تحقیقات جدید بیزانس شناسی پایه گذاری شد و لذا به مجرد اینکه پرده تعصب و سوء تعبیرها به کنار زده شد آنها آماده پاسخ گویی بودند. بنابراین مطالعه در تاریخ بیزانس نه تنها از سایر زمینه های پژوهش تاریخی عقب نماند بلکه جلوتر از آنها نیز حرکت می نمود.

متأسفانه در حالیکه کار آلفرد رمبود در زمینه تاریخ بیزانس معروف تر از سایرین بود، خیلی زود مطالعه تاریخ بیزانس را رها کرد و توجه خود را معطوف به مطالعه تاریخ روسیه نمود. به هر حال اگر چه رمبود پژوهش در بیزانس را کنار گذاشت اما با نگارش کتاب خود درباره عصر کنستانتین^{۸۰} تا اندازه زیادی علاقه فرانسویان به مطالعه در تاریخ بیزانس را برانگیخت و کار وی از سوی افرادی چون گاستیواسکلام برژه^{۸۱} و شارل دی یل^{۸۲} دنبال شد.

گ. اسکلام برژه با نگارش آثاری که سهم بی نهایت ارزشمندی در زمینه سکه شناسی و به ویژه مهرشناسی داشتند کار ج. سابتی پر^{۸۳} در کتاب *Description des monnaies byzantines* را ادامه داد. امروزه پژوهشگران علاقمند به تاریخ بیزانس معتقدند که با ارزشترین اثر در میان گستره وسیع کارهای تحقیقاتی وی *Sigillographie de l'Empire byzantine* می باشد. با این وجود نباید اهمیت اثر ماندگار وی به نام *Epopee byzantine* و بسیاری از آثار دیگرش که توجه به بیزانس را در میان قشر تحصیل کرده بیشتر از گذشته برانگیخت، نادیده گرفت. شارل دی یل نیز مورد قبول عموم مردم بود و به خاطر به کارگیری مهارتی ویژه در ارائه مقالات قابل تحسینش به «Figures byzantines» مشهور گردید. وی در ارائه مطالب، بیان گویا و کم نظیر خود را با صحیح ترین روش تحقیق ادغام کرده بود که این خصوصیت در تحقیقات جامعی که بر *Exarchate of Ravenna* در ۱۸۸۸ م.، *Byzantine Africa* در ۱۸۹۶ م. و *Justinion* در ۱۹۰۱ م. انجام داده است و بسیاری از مقاله ها که در *Enudes byzantines* گردآوری شده، به وضوح نمایان است. کار وی بیش از پژوهشگران دیگر، عامل پیشرفت مطالعات بیزانسی شد و او نیز با آثار خود

◀ مطالعات بیزانس شناسی در قرن هجدهم با تأسف بارترین مانع برخورد کرد: زیرا خردگرایی عصر روشنگری از طرفی به عناصری مانند خرد، دیدگاه فیلسوفانه و شک دینی خود مباهات می کرد و از سوی دیگر سراسر تاریخ عصر قرون وسطی را تحقیر می نمود. در واقع اندیشمندان عصر روشنفکری، امپراتوری بیزانس را به خاطر سنت گرایی و تعصب دینی تحقیر می کردند.

◀ شارل دوفرسن سیوردوکانژ پایه گذار واقعی مطالعات تاریخی بیزانسی و همزمان با آن بزرگترین و ممتازترین محقق در تاریخ پژوهش های بیزانسی به حساب می آمد.



- 41- Charles Du Fresne, Sieur Du Cange
- 42- John Cinnamus
- 43- Anna Comnena
- 44- Nicephorus Bryennius
- 45- E. A. Sophicles
- 46- Jean Mobillon
- 47- Berard de Montfaucon
- 48- Dominican Michel lequien
- 49- Benedictine Anselmo Banduri
- 50- Ragusa
- 51- Voltaire
- 52- Montesquieu
- 53- Charles lebeau
- 54- Edward Gibbon
- 55- J. B. Bury
- 56- J. A. Fabricius
- 57- «۱۴» ج، هامبورگ، ۲۸-۱۷۰۵ و چاپ مجدد آن در ۱۲ مجلد در سالهای ۱۸۰۹-۱۷۹۰»
- 58- John Jacob Reiske
- 59- Leo the Deacon
- 60- K. B. Hase
- 61- Niebuhr
- 62- "Bonn corpus scriptorum historiae byzantinae"
- 63- George Finlay
- 64- V. Parisot
- 65- Berger de Xivrey
- 66- G. L. F. Tafel
- 67- G. M. Thomas
- 68- J. P. fallmerayer
- 69- Karl Hopf
- 70- G. F. Hertzberg
- 71- A. F. Gforer
- 72- Ferdinand Hirsch
- 73- Ranke
- 74- Mommsen
- 75- Alfred Rambaud
- 76- Vasilij
- 77- G. Vasiljevskij
- 78- Karl Krumbacher
- 79- J. B. Burg
- 80- Constantine Porphyrogenitus
- 81- Gustave schlumberger
- 82- charles Diehl
- 83- J. sabatier
- 84- louis Brehier
- 85- Ferdinand chalandon
- 86- Jules Gay
- 87- Henri Monnier
- 88- Bordeaux

توجه افراد را به این نوع مطالعات برانگیخت به طوری که شاگردان زیادی را از سرزمین خود و کشورهای دیگر جذب کرد. بدین ترتیب در اواخر قرن نوزدهم جنبش عظیمی در مطالعات بیزانسی فرانسه پدید آمد. کار شارل دی یل توسط محققان برجسته‌ای همچون: لونی بره‌ایبر^{۸۴}، فردینان شلاندرن^{۸۵} و جولژی^{۸۶} ادامه یافت که فعالیت آنها همزمان بود با کوشش هنری مونی^{۸۷} در بر دو^{۸۸} برای پی‌ریزی مدرسه‌ای که مطالعاتش بر تاریخ حقوق که یک رشته مهم بیزانس‌شناسی است، متمرکز شده بود.

ادامه دارد.....

پانوشتها

* این متن برگرفته شده از کتاب History of the Byzantine state نوشته: George Ostrogorsky است، که در آن بخشی از مراحل اساسی توسعه مطالعات بیزانسی مورد توجه قرار گرفته و به تحقیقات و کارهای فردی انجام گرفته در این زمینه اشاره شده است

- 1- Manuel Chrysoloras
- 2- John Argyropulus
- 3- Bessarion
- 4- Melanchthon
- 5- Hieronymus Wolf
- 6- The Fuggers
- 7- Augsburg
- 8- Anton Fugger
- 9- John Zonaras
- 10- Nicetas Choniates
- 11- Nicephorus Grogoras
- 12- Wilhelm Holzmann
- 13- David Hoeschel
- 14- Johannes leunclavius
- 15- D. Petavius (Denis Petau)
- 16- B. Vulcanius
- 17- Johannes Meursius
- 18- Nicolaus Alemannus
- 19- Leo Allatius
- 20- Louis XIII
- 21- Louis XIV
- 22- Louvre
- 23- Colbert
- 24- John Cantacuzenus
- 25- Constantine Porphyrogenitus
- 26- Ph. Labbe
- 27- Venice Corpus
- 28- Bonn Corpus
- 29- Paris Corpus
- 30- Ph. Labbe (Jesuits Philippe labbe)
- 31- Pierre Poussines
- 32- Dominicans Jacques Goar
- 33- Francois Combefis
- 34- Lucas Holstenius
- 35- Leo Allatius
- 36- Harduin
- 37- Mansi
- 38- Goar
- 39- Combefis
- 40- Fabrot

◀ اگر چه در قرن نوزدهم رشد روزافزون ارزیابی عمیق‌تر از تاریخ نیز نتوانست روش گستاخانه و غیرتاریخی عصر روشنفکری که سبب بی‌اعتباری دنیای بیزانس شده بود را به طور کامل تعدیل یا نابود کند، اما از آنجا که درک مفهوم «پیشرفت در تاریخ» در حال رشد و نمو بود، نفوذ اندیشه مردانی همچون رانکه و مامسن جادوی افسانه «سقوط دوهزار ساله» را باطل کرد. بنابراین تمایل به شناخت تاریخ بیزانس در دو دهه آخر قرن نوزدهم در میان کشورهای پیشرو اروپایی به سرعت افزایش یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی